

# درگیری لفظی اردوغان و پرس با چه هدف و انگیزه ای؟!

بهرام رحمانی  
bamdadpress@ownit.nu

در رسانه ها آمده است نخست وزیر ترکیه، رجب طیب اردوغان که در کنفرانس اقتصادی بین المللی داووس سوئیس، اسرائیل را به خاطر جنک در غزه مورد انتقاد قرار داده بود، در یک تماس تلفنی با پرزیدنت شیمون پرس، تاکید کرد که این سخنان او نباید بر روابط دوستانه دو کشور تاثیر گذار باشد. اردوغان در پاسخ به این پرسش که آیا رابطه ترکیه با اسرائیل پایان یافته، گفت: «ما یک رابطه جدی داریم.»

ساعاتی پس از بخش این درگیری لفظی، بسیاری از روزنامه های رسمی ترکیه، ایران، لبنان و... این اقدام اردوغان را ستودند و حتی برخی از این رسانه ها نیز از وی، به عنوان «فهرمان؟!» یاد کردند.

براساس گزارش خبرگزاری ها، بامداد روز جمعه، ۲۰ ژانویه ۲۰۰۹ - ۱۱ بهمن ۱۳۸۷، حدود پنج هزار نفر از طرفداران دولت ترکیه در برابر فرودگاه استانبول اجتماع کردند و از رجب طیب اردوغان، نخست وزیر، که پس از درگیری لفظی در جریان اجلاس مجمع جهانی اقتصاد در داووس، از سوئیس به ترکیه باز می گشت استقبال به عمل آوردند. تظاهرکنندگان پرچم های ترکیه و فلسطینیان را در دست داشتند و اردوغان را «فهرمان ملی» می خواندند.

این تظاهر و نمایش تبلیغی اردوغان، البته که ربطی به حملات خونین حکومت سرکوبگر اسرائیل بر علیه مردم فلسطین ندارد. اما در بطن این نمایش، یک بهره برداری سیاسی مهمی برای اردوغان و حزب اسلامی وی نهفته، آن هم قرار است در ۲۹ ماه مارس ۲۰۰۹، انتخابات سراسری در ترکیه برگزار شود، مردمی که از روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی دولت اسرائیل و ترکیه چندان خبر ندارند این حرکت اردوغان می تواند رای آن ها را به صندوق حزب اردوغان سرازیر سازد. استقبال ۵۰۰۰ تن از طرفداران اردوغان در فرودگاه استانبول که پرچم های ترکیه و فلسطین را در دست داشتند، نمی تواند طرحی از قبل پیش بینی شده نباشد. اردوغان، در ۱۴ مارس ۲۰۰۳ - ۲۴ اسفند ۱۳۸۱، به نخست وزیری ترکیه انتخاب شد.

باید دید که این درگیری لفظی بین رجب اردوغان، نخست وزیر ترکیه و شیمون پرس، رئیس جمهوری اسرائیل با چه هدف و انگیزه ای صورت گرفته است؟ در این مطلب سعی می شود هدف و انگیزه آن ها از این درگیری لفظی، مورد بررسی قرار گیرد.

شایان ذکر است که در ۲۲ دسامبر ۲۰۰۸، یعنی پس حدود یک هفته پیش از حمله حکومت اسرائیل به غزه، شیمون پرس و دیگر سران کابینه وی با سران ترکیه حکومت ترکیه، از جمله رجب طیب اردوغان گفتگو کرده بودند که بنا به گفته مسئول دفتر اردوغان به شبکه جهانی الجزیره، این گفتگوهای بی سرو صدا که به دور از چشم رسانه های خبری دنیا انجام شد در مورد حمله حکومت اسرائیل به غزه بود. طبق هماهنگی های انجام شده قرار بود این حمله به مدت یک هفته و تنها برای نابودی حماس صورت بگیرد. سایت خبری «راشین نیوز» در گزارشی به نام «رئیس جمهور اسرائیل از نخست وزیر ترکیه عذر نخواست»، به این نکته اشاره می کند که ناراحتی اردوغان و سران این کشور که در داووس مثل آتش فشانیه سر باز کرد پیش تر به خاطر عدم وفاداری اسرائیل به قول و قرارهای خود نسبت به ترکیه بود.

حکومت های ترکیه و اسرائیل، روابط بسیار نزدیک اقتصادی، سیاسی و نظامی دارند. برای مثال، اخیرا یک ژنرال بازنشسته ارتش ترکیه و نماینده کنونی پارلمان این کشور، فاش کرده است که فقط یک رقم همکاری نظامی حکومت ترکیه و اسرائیل، ۷۰۰ میلیون دلار بوده است. روزنامه «ینی شفق» ترکیه، به نقل از «اردال سپاهی»، ژنرال سابق ارتش این کشور و نماینده مجلس فعلی از حزب حرکت ناسیونالیست نوشته است: مناقصه بازسازی ۱۷۰ دستگاه تانک ام - ۶۰، علی رغم مخالفت وی، بنا به دستور مقامات ارتش در سال ۲۰۰۰ به حکومت اسرائیل سپرده شد. اردال سپاهی که در آن سال، با درجه سرلشکری و به عنوان متخصص تانک در ارتش ترکیه خدمت می کرده است، تصریح کرد دلیل مخالفت وی نداشتن تجربه کافی اسرائیل در بازسازی این مدل تانک ها بوده، کما این که اسرائیل نه تنها تانک های مذکور را سر موعد مقرر بازسازی نکرده، بلکه این امر باعث به تعویق افتادن پروژه تانک ملی در ترکیه شده است.

رابطه ترکیه و اسرائیل در عرصه نظامی، در سال های دهه ۱۹۹۰، شکل علنی و وسیعی به خود گرفت به طوری که فرماندهان نظامی طرفین یک رشته تمرین ها و موافقت نامه های نظامی را شروع کردند تا این که در سال ۲۰۰۰، این رابطه گسترش بیش تری یافت و شامل آموزش های نظامی مشترک، تولید مشترک سامانه های موشکی، ارتقای هواپیمای آمریکایی ارتش ترکیه توسط اسرائیل و تبادل اطلاعات در زمینه های امنیتی - نظامی مورد علاقه دو طرف، هر دو دولت طرفدار آمریکا و از نظر موقعیت نظامی بسیار شبیه هم هستند.

از میان حدود بیست و چهار موافقت نامه که ترکیه و اسرائیل از سال ۱۹۹۲ با هم امضا کرده اند، قراردادهای اصلی در برگیرنده همکاری و آموزش نظامی، و هم چنین در عرصه همکاری دفاعی - صنعتی و یک قرارداد تجارت آزاد بوده است که همه در سال ۱۹۹۶ منعقد شدند.

اسرائیل جنگنده های اف ۲ و اف ۵ ترکیه را ارتقا داده و مطبوعات اسرائیل از تدوین قراردادهای نظامی دیگر خبر داده اند. ترکیه دانش نظامی خود را از طریق آموزش مشترک و همکاری نزدیک با ارتش اسرائیل تقویت می کند، توانایی جمع آوری اطلاعات خود را از همسایگان محاصم و بالقوه دشمن افزایش می دهد و مهم تر این که به منابع تسلیحاتی پیشرفته دست می یابد.

در عرصه اقتصادی نیز حجم تجارت دو جانبه در سال های دهه ۱۹۹۰ گسترش یافت، به خصوص با موافقتنامه تجارت آزاد دو جانبه ۱۹۹۷، حجم تجارت که در سال ۱۹۸۹، ۹۰ میلیون دلار بود، در سال ۱۹۹۹ به ۹۰۰ میلیون دلار افزایش یافت، یعنی ده برابر افزایش پیدا کرد. در سال ۱۹۹۹، اسرائیل بزرگ ترین بازار صادراتی ترکیه در خاورمیانه ارتقا یافت. ۱

اما کارگران، نیروهای چپ و سوسیالیست و مردم آزادی خواه ترکیه، به خوبی می دانند که اردوغان، فهرمان ضدجنگ و حامی حق و حقوق مردم فلسطین نیست و حرکت وی در داووس، صرفا یک نمایش تبلیغی - سیاسی ریاکارانه ای پیش نبوده است. زیرا خود وی در مقام نخست وزیر ترکیه، نه تنها تابوهای سیاسی را پاس می دارد، بلکه گاه و بی گاه فرمان حمله به مردم کردستان ترکیه و حتی نقاط مرزی کردستان عراق به بهانه سرکوب «پ.ک.ک» را صادر می کند و مردم این منطقه را به خاک و خون می کشد. علاوه بر این، هر روزنامه نگار و نویسنده و فعال سیاسی، در مورد تابوهای سیاسی این کشور سخن گفته، یا تهدید و زندان و شکنجه روبرو شده است.

مردم ترکیه، هم چنین فراموش نکرده اند که چند سال پیش در درگیری مردم در شهر کردنشین دباریکر ترکیه با نیروهای سرکوبگر دولتی، اردوغان حتی دستور تیراندازی به کودکان را نیز صادر کرد هنگامی که با اعتراض افکار عمومی مردم ترکیه و هم چنین سازمان های بین المللی نیز قرار گرفت. بهانه اش این بود که «پ.ک.ک» در این اعتراض توده ای شهری، از کودکان به عنوان سپر استفاده می کند. بنابراین، حکومت اسرائیل نیز کودکان و زنان و مردم بی گناه را با این بهانه کشتار می کند که «حماس در میان مردم پنهان شده است.»

در مطلبی به تاریخ بیست و چهارم سپتامبر ۲۰۰۶، تحت عنوان «سناریوهای سیاه علیه PKK»، نوشته بودم: «لازم به یادآوری است که در اعتراضات توده ای که در ماه آوریل ۲۰۰۶، در مناطق کردنشین در اعتراض به جنایات نیروهای امنیتی روی داد، رجب طیب اردوغان، نخست وزیر ترکیه، به نیروهای امنیتی این کشور دستور داد به زنان و کودکانی که به گفته وی به عنوان ابزار تروریسم مورد استفاده قرار می گیرند، تیراندازی کنند.»

این اعتراضات، پس از عملیات هفته آخر مارس ارتش ترکیه که طی آن چهارده نفر مظنون به چریک های پ.ک.ک، کشته شدند، آغاز شد. اعتراض و درگیری شهر دیاربکر، در روز پنج شنبه ۲۰ مارس، به شهر مجاور بتمن نیز کشیده شد و صدها جوان در این شهر، با ماموران پلیس درگیر شدند.

اردوغان، دستور تیراندازی به کودکان و زنان معترض را هنگامی که زبان آورد که روز شنبه ۱ آوریل ۲۰۰۶، کودکان ۹، ۷ و ۳ ساله از جمله ۷ نفری بودند که در جریان حمله وحشیانه نیروهای امنیتی در شهرهای کردنشین «دیاربکر» و «بتمن»، به مردم معترض و صف تظاهرکنندگان کشته شدند.

در طول سه روز اعتراض توده‌ای و هجوم وحشیانه نیروهای امنیتی، ۲۸ تا ۳۱ مارس ۲۰۰۶ - ساختمان های دولتی، بانک - ها و اتومبیل ها به آتش کشیده شدند. حدود ۱۵ نفر توسط نیروهای امنیتی به قتل رسیدند و بیش از ۳۶۰ نفر مجروح و ۵۴۱ نفر نیز دستگیر شدند.

اتحادیه اروپا و سازمان ملل متحد در مقابل این همه وحشی گری دولت ترکیه و کشتن کودکان، تنها اظهار نگرانی کردند و خواستار رعایت حقوق فرهنگی و فرصت های اقتصادی بیش تر برای اقلیت کرد ترکیه شدند.

هرانت دینک، سردبیر روزنامه آکوس، این روزنامه نگار ترک - ارمنی را در روز روشن ترور کردند. دینک، در بیرون دفتر روزنامه محل کار خود در محله شییشلی استانبول، در روز ۱۹ ژانویه ۲۰۰۷ با شلیک گلوله توسط «اکون سمسات» ۱۷ ساله به قتل رسید. تنها «حرم» هرانت، این بود که به عنوان روزنامه نگاری جسور، واقعیت ها را با جامعه در میان می گذاشت که عموماً خوش آیند گرایشات ناسیونالیستی و فاشیستی و هم چنین سران حکومت ترکیه نبود. وی، از جمله با طرح قتل عام ارمنی ها در سال ۱۹۱۵ در ترکیه، تاکید می کرد. در پی این نوشته ها، وی بارها از سوی دادستانی به دادگاه احضار شد و بر اساس ماده ۳۰۱ قانون جزا مورد بازخواست قرار گرفت. اتهام دینک در این بازپرسی ها «توهین به ملت ترک» و «تحقیر هویت ترکی» اعلام شد!

حدود صد هزار نفر از مردم آزادی خواه ترکیه، در اعتراض به این ترور دست به تظاهرات زدند. صحنه قتل هرانت دینک توسط یکی از دوربین های مدار بسته خیابان پر رفت و آمد شییشلی ضبط شده بود. چهره و قامت قاتل تقریباً به وضوح در این تصاویر قابل تشخیص بود. پس از پخش این تصاویر از تلویزیون های ترکیه افراد متعددی عرض یک روز جهت گزارش دادن با پلیس تماس گرفتند. یکی از این تماس گیرندگان پدر قاتل بود که با ابراز تاسف از عمل فرزندش که مدتی بود از خانه فراری شده بود با پلیس ترکیه همکاری کرد.

۲۲ ساعت پس از ترور، فردی با نام اوگون سمسات که در حال بازگشت به ترابزون بود در یکی از ترمینال های استانبول دستگیر شد. سمسات پس از دستگیری در مورد چند و چون جنایت انجام شده گفت:

«در ترابزون زیر نظر یاسین حایال، به تمرین ورزش و تیراندازی پرداختم. به دلیل این که در بین گروه ده نفره ای که از کودکان ۱۵ تا ۱۷ سال تشکیل می شد بهترین تیرانداز و بهترین دوندۀ بودم برای انجام این مأموریت انتخاب شدم. وقتی به استانبول می آمدم اسلان اسکندر، ۱۸۰ لیبره پول به من داد و اسلحه را نیز از یاسن حایال گرفتم. پنج شنبه به استانبول رسیدم و شب را در ترمینال گذراندم. روز جمعه به دفتر روزنامه آکوس رفتم و خواستم با دینک ملاقات کنم ولی موفق نشدم. با نزدیک شدن نماز جمعه به مسجد رفتم و پس از اقامه نماز دوباره روپری دفتر روزنامه رفتم. هرانت دینک از ساختمان خارج شد و به طرف یکی از بانک ها رفت و پس از خروج از بانک دوباره به دفتر کارش برگشت. ده دقیقه بعد دوباره از دفتر خارج شد، تعقیب کردم، به یک متری دینک نزدیک شدم و از پشت! شلیک کردم» ...

بعد از دستگیری قاتل، کلیپ ویدیویی را منتشر شد که در آن، پلیس های ترکیه با صورتی خندان در حال جشن گرفتن با او و دادن برچم ترکیه به دست او را نشان می داد... قاتل عضو گروهی به نام «گرگ های خاکستری» بود که یک جریان فاشیستی است و در حکومت و ارتش و به ویژه پلی مخفی (میت)، نفوذ گسترده ای دارد.

اورهان پاموک، نویسنده معروف ترکیه و برنده جایزه نوبل، در رابطه با ترور هرانت دینک، چنین موقع گرفته بود: «هرانت دینک روزنامه نگاری شجاع و جوانمرد بود ولی به این سبب کشته نشد. به خاطر اندیشه هایش، به خاطر این که از سوی دولت پذیرفته نمی شد کشته شد. فردی را کشتیم که اندیشه هایش را نمی پذیرفتیم. نخست باید این را بپذیریم... از قتل هرانت دینک همه ما به اعتباری مسئولیم و پیش از همه ماده ۲۰۱ و کسانی که در صدد اعمال آن هستند و کسانی که هنوز بر حفظ آن اصرار دارند، مسئول اند.»

اورهان پاموک، قبل از این که برنده جایزه نوبل ادبیات شود، در رمان معروف خود به نام «برف»، به ویژه توجه زیادی از محافل ادبی جهان را برانگیخت، در گفتگویی با یک نشریه خارجی، با اشاره به کشتار جمعی ارمنه در سال ۱۹۱۵، در دوران ترکیه عثمانی، و کشتار ۳۰ هزار از شهروندان کرد در دهه های اخیر، از هم وطنان خود خواسته است که با صداقت و شجاعت بیش تری به تاریخ میهن خود بنگرند و گذشته را بیاورند.

او در این مصاحبه می گوید: «آنچه در سال ۱۹۱۵ بر سر ارمنی های ترکیه عثمانی آمد، فاجعه عظیمی بود که از ملت ترک مخفی نگاه داشته شده است. اما وظیفه ماست که از گذشته حرف بزنیم... این سخنان، جامعه ترکیه را به هم ریخت. آزادی خواهان ترکیه، از آزادی بیان پاموک دفاع کردند. اما خشک اندیشان و دولت ترکیه، بر چسب «خیانت به وطن» و «توهین به ملیت ترک» را به سینه پاموک زدند، کتاب هایش را سوزاندند و حتا به مرگ تهدیدش کردند...» ۲

«اولین جلسه اورهان پاموک، به اتهام «توهین به تاریخ ملت ترک»، روز جمعه نهم دسامبر ۲۰۰۵ به پایان رسید... دادستان استانبول، با اقامه دعوا و تنظیم ادعاینامه ای در شهریور ماه سال جاری علیه اورهان پاموک، تقاضای سه سال زندان کرد. دادستان استانبول با استناد به مصاحبه پاموک با یک روزنامه سوئدی که در آن گفته بود بیش از یک میلیون ارمنی و ۲۰ هزار کرد در ترکیه کشته شده اند، این ادعاینامه را تنظیم کرده است...» ۲

سرانجام دولت ترکیه، در مقابل اعتراض مردم آزادی خواه این کشور، اعتراض نهادهای بین المللی از جمله انجمن جهانی قلم، اتحادیه اروپا و... عقب نشینی کرد و از دادگاه خواست که رای به عدم پیگیری پرونده اورهان پاموک بدهد.

ژنرال کنعان اورن، رهبر کودتایچان سپتامبر ۱۹۸۰ ترکیه، طی مصاحبه ای با مجله آلمانی «اشپنگل» در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۱ در رابطه با مردم کرد، گفت: «... کردها بارها، در زمان امپراتوری عثمانی و آتاتورک، به پا خواسته اند. در برابر ما نقشه ها و برنامه های هولناکی برای سرکوبی کردها وجود دارد. هر وقت جمهوری ترکیه ضعیف می شود، کردها قد علم می کنند و می خواهند با کمک نیروهای خارجی، ترکیه را تجزیه کنند... و باید اضافه کنم که مردمی به نام کرد در کشور ترکیه وجود ندارد، ما به آن ها اجازه نخواهیم داد که ترکیه را متلاشی کنند. آن ها قادر نیستند چیزی را از ما بگیرند، ما تمام نیروی خود را به کار خواهیم برد تا این مساله را ریشه کن کنیم...» ۴

این ها تابوی های سیاسی ترکیه هستند که تاکنون هر کس در مورد آن ها حرف زده به عنوان «دشمن ملت ترک»، «تجزیه طلب» و... تهدید و زندانی شده است. بنابراین، اعتراض اردوغان به پرس، ربطی به جنگ دولت ایشان بر علیه مردم فلسطین ندارد؛ به خصوص سران هر دو دولت قبل از آغاز حمله ارتش اسرائیل به غزه، در این مورد با همدیگر مشورت و تبادل نظر کرده بودند.

از سوی دیگر، رییس جمهوری اسرائیل در نشست داووس، بی شرمانه از جنگ غیرانسانی حکومت اش علیه مردم غزه دفاع کرد.

اساساً حمله خونین حکومت اسرائیل به غزه نیز در شرایطی صورت گرفت که در هیات حاکمه اسرائیل شکاف افتاده و رقابت جناح های آن برای کسب قدرت بالا گرفته است بنابراین، این جناح ها برای کسب آرای مردم به این جنگ نیاز داشتند و یک وجه تبلیغاتی کاندیداها نیز تاکید بر ادامه جنگ بر علیه مردم فلسطین است. حکومت اسرائیل و رسانه هایشان هم چون رادیو اسرائیل در رابطه با سیاست های وحشیانه شان بر علیه مردم فلسطین، همواره واقعیت ها را تحریف می کنند و اطلاعات دروغ به مردم اسرائیل می دهند.

در آخر همین هفته انتخابات اسرائیل برگزار خواهد شد، بنیامین نتانیاوهو، رهبر حزب «لیکود»، طبق نظرسنجی های انجام شده در اسرائیل، برای تصاحب مقام نخست وزیری این کشور، بیش ترین شانس را دارد، از همه بیش تر به ادامه اشغال سرزمین های فلسطینی و جنگ علیه مردم فلسطین تاکید می ورزد. وی، در سخنرانی روز شنبه گذشته خود گفته است، در صورت رسیدن به این مقام، اولین کارش این خواهد بود که مانع «تهدید امنی ایران» شود. وی، در گفتگو با یکی از کانال های تلویزیون این کشور، ایران را «بزرگ ترین خطر برای اسرائیل» خواند و گفت که ایران «هرگز به سلاح اتمی مجهز نخواهد شد.»

او، در پاسخ به این پرسش که آیا جلوگیری از اهداف هسته ای ایران شامل حمله نظامی هم می شود یا خیر، گفت: «هر کاری را که برای رسیدن به این هدف لازم باشد شامل می شود.»

نژی لیونی، وزیر امور خارجه اسرائیل و رهبر حزب کادیمای این کشور، کاندید دیگر پست نخست وزیری است که با اشاره به حمله ۲۲ روزه اسرائیل به نوار غزه گفته است اگر حماس «هنوز پیام ما را نگرفته باشد» اسرائیل باز به این گروه فلسطینی حمله خواهد کرد.

اهود باراک، وزیر دفاع و رهبر حزب کارگر اسرائیل، کاندید سوم پست نخست وزیری نیز گفته است: «حماس این بار طوری ضربه خورد که هرگز نخورده بود.»

بنابراین، همه کاندیدها، برای کسب آرای مردم، از جمله به بهانه تامین امنیت آن ها در مقابل حملات گروه های فلسطینی، احساسات ناسیونالیستی مردم را تحریک می کنند.

سرانجام آتش بس دو جانبه ای از روز یکشنبه یکشنبه ۲۵ ژانویه ۲۰۰۹ - ۰۶ بهمن ۱۳۸۷، برقرار شد. اما کماکان درگیری ها در این منطقه با راکت پرنای حماس و بمباران های هوایی اسرائیل ادامه دارد. پس از پرتاب راکتی به خاک اسرائیل، هواپیماهای جنگی اسرائیل روز یکشنبه ۱ فوریه ۲۰۰۸، به پرواز درآمدند و تعدادی از تونل های زیر زمینی حماس در حوالی مرز مصر با نوار غزه را بمباران کردند. به گفته منابع فلسطینی، اسرائیل هم چنین یک ایستگاه پلیس در روستایی در مرکز نوار غزه را بمباران کرده است. پیش از انجام این حملات، اهود اولمرت، نخست وزیر اسرائیل به ارتش این کشور دستور داده بود که برای پاسخ به پرتاب راکت های حماس آماده شود.

بنا به نوشته روزنامه های معتبر اسرائیل، حمله به غزه از مدت ها قبل توسط ایهود باراک وزیر دفاع اسرائیل تهیه شده و در ارتش آمادگی کامل جهت اجرای این حمله به وجود آورده شده بود. در واقع دولت و ارتش اسرائیل، منتظر پایان دوره ۶ ماهه آتش بس بود تا این حمله را آغاز کنند. پرتاب راکت از غزه به خاک اسرائیل، این بهانه را به دست حکومت اسرائیل داد تا جنگ خونین ۲۲ روزه ای را علیه مردم بی دفاع و بی گناه غزه آغاز کند.

عملیات زمینی ارتش اسرائیل علیه مردم غزه، با حدود ۲۰ هزار نیروی ذخیره و استفاده از دو تیب ویژه گولانی و تیب مستقر در مرز اردن شروع شد. هم چنین حدود ۱۲ هزار تانک به سمت مرزهای محدود غزه کسپل شد که شامل ۸ کیلومتر مرز شمالی و ۴۵ کیلومتر مرز شرقی می شد. این نیروها توسط نیروی هوایی و هم چنین شناورهای توپ دار نیروی دریایی هم در طول ساحل ۴۵ کیلومتری غزه با دریای مدیترانه مشغول پشتیبانی می شدند. این نیروها هزاران بمب و گلوله بر سر مردم غزه ریختند.

در این وضعیت حساس و بحرانی منطقه خالد مشعل، رهبر سیاسی حماس به ایران رفته و با سران حکومت اسلامی، به ویژه خامنه ای، رهبر حکومت اسلامی دیدار و گفتگو کرده است. خامنه ای، از موضع ارتجاعی و جنگ طلبی، در این دیدار تاکید کرده است: «جنگ در غزه هنوز پایان نیافته است و جنگ سیاسی و هم چنین جنگ تبلیغاتی و روانی هم چنان ادامه دارد، مقاومت اسلامی باید با هوشیاری و تدبیر برای همه احتمالات و شرایط، حتی احتمال آغاز مجدد جنگ آمادگی کامل داشته باشد.»

محمود عباس، رهبر تشکیلات خودگردان فلسطینی، در نشست مطبوعاتی در قاهره که از شبکه های خبری عربی پخش می شد، در واکنش به حضور خالد مشعل در تهران گفت: «کسانی با رفتن به جاهایی که قبلا هم به ما لطمه زده اند، می خواهند ویرانگری را ادامه دهند.»

رهبر تشکیلات خودگردان فلسطینی، در کنفرانس خبری خود در قاهره گفت: «حماس ابزار دست خارجی هایی است که با جان ملت فلسطین بازی می کنند و پیروزی موهوم خود را جشن می گیرند.» اشاره محمود عباس به مراسمی بود که طی روزهای اخیر با عنوان «جشن های نصر حماس» در تهران، دوحه و بیروت با شرکت مقام های گروه حماس برگزار شده است.

نتیجه حملات نیروهای هوایی، زمینی و دریایی اسرائیل به مردم یک و نیم میلیون نفری غزه در یک باریکه تنگ و کوچک و پرجمعیت، بسیار مهلک و مخرب بوده و تلفات و ضایعات جانی و اقتصادی غزه بسیار بالاست.

آمارهای رسمی نشان می دهد که در جنگ اخیر ۲۲ روزه اسرائیل علیه مردم غزه بیش از ۱۰۰ فلسطینی به ازای هر اسرائیلی کشته شدند. وزارت بهداشت فلسطین اعلام کرده است که ۱۳۱۴ فلسطینی کشته شدند که ۴۱۲ تن از آن ها کودک، ۱۸ تن از آن ها زیر ۱۸ سال و ۱۱۰ تن نیز زن بودند؛ اما در طرف اسرائیلی، ۱۳ تن کشته شدند که سه تن غیر نظامی بودند.

در یکی از موارد سازمان ملل اعلام کرد که ۸۰ عضو يك خانواده در خانه ای بزرگ در پنجم ژانویه توسط موشک هایی هدف قرار گرفتند که ۲۹ تن از آن ها کشته شدند. چند تن از بازماندگان این حمله اعلام کردند که روز پیش از این حمله نظامیان اسرائیلی به آن ها گفته بودند که در این خانه پناه بگیرند.

یکی دیگر از ساکنان غزه گفته است که يك سرباز اسرائیلی سه دختر وی را که در حال پناه گرفتن بودند، از يك تانک مورد هدف قرار داد و دو تن از آن ها را کشت. وی گفت که این اقدام عمدی بود، از این نمونه ها زیاد است.

باین ترتیب، بررسی ها نشان می دهند که رقم واقعی تلفات غیر نظامی، بین ۸۶ تا ۹۰ درصد است. تنها توجیه حکومت اسرائیل برای قتل عام مردم غزه این است که «حماس خود را بین مردم پنهان کرده است؟!» حتی اگر فرض کنیم نیروی های حماس در میان مردم پنهان شده اند باز هم براساس قوانین بین المللی و انسانی و اخلاقی ارتش اسرائیل مجاز نبوده اماکن مسکونی، بیمارستان ها و مدارس و... را بمباران کند. به اضافه این که این اولین بار نیست ارتش اسرائیل به چنین جنایت هولناکی علیه مردم فلسطین دست می زند.

براساس برخی آمارها، از زمان اشغال کرانه باختری و نوار غزه در سال ۱۹۶۷، نیروهای نظامی - امنیتی اسرائیل، بیش از ۷ هزار فلسطینی کشته و ۶۰ هزار نفر مجروح و ۸۰۰ هزار نفر دستگیر شده است. بخش آموزشی نیز از تجاوزات ارتش اسرائیل در امان نمانده است، برای این که ۱۲ مدرسه و دانشگاه تا بهار ۲۰۰۶ بنا با دستوره های نظامی بسته شده اند. ۴۲ مدرسه نیز تبدیل به پادگان های نظامی شدند و ۸۴۵ دانشجو و دانش آموز توسط نیروهای اشغالگر به قتل رسیدند.

دبیر اقدامات بشر دوستانه سازمان ملل در خصوص وضعیت غزه گفته است وضعیت در غزه، پس از حملات سه هفته ای اسرائیل به این منطقه، بسیار بدتر از آن چیزی است که او فکر می کرده است.

سر جان هلمز، که روز پنجشنبه ۲۲ ژانویه ۲۰۰۹ از غزه بازدید کرده بود، روز جمعه ۲۳ ژانویه به بی بی سی گفت: «لوله های آب و فاضلاب شکسته شده و فاضلاب در خیابان ها جاری شده است.

به گفته هلمز، «میزان نابودی ها به حدی است که هر نوع فعالیت اقتصادی شخصی در غزه را به ده ها سال پیش عقب برده است.»

ریچارد فالک، گزارشگر مخصوص حقوق بشر سازمان ملل در سرزمین های فلسطینی نیز گفته است: «براساس شواهد اولیه اسرائیل به شدت کنوانسیون زنو را در این ۲۲ روز نقض کرده است.»

در آخرین اطلاعاتی که شبکه الجزیره در تاریخ پنجشنبه ۲۲ ژانویه ۲۰۰۹، منتشر کرده است، فقط در رابطه با تاسیسات آژانس امداد سازمان ملل UNRWA در غزه، ۵۲ ساختمانی که این آژانس مورد استفاده قرار می داد آسیب دیده یا کاملا ویران شده اند که ۲۷ دستگاه آن ها مدرسه بودند، ۶ دستگاه آن ها به عنوان پناهگاه و ۶ دستگاه دیگر به عنوان مرکز درمانی و دو دستگاه نیز به عنوان انبار مورد استفاده قرار می گرفتند.

نشریه انگلیسی گاردین، روز دوشنبه ۱۹ ژانویه ۲۰۰۹، دو نوار ویدیویی را که شواهد استفاده از فسفر سفید در غزه را به نمایش می گذارد، منتشر کرد. نوار اول که توسط یک زن عکاس از فعالین جنبش همبستگی بین المللی به نام فیدا کیشتا تهیه شده است، نه تنها شواهد کاربرد بمب شیمیایی، بلکه این حقیقت تلخ را نشان می دهد که چگونه اسرائیل زندگی کردن با سلاح شیمیایی را به بخشی از زندگی کودک و مادر و مرد با برهنه فلسطینی تبدیل کرده است. فیلم در ۱۴ ژانویه در شرق محله خان یونس در جنوب غزه گرفته شده است. در این فیلم قطعاتی از مواد شیمیایی روی زمین دیده می شود که در حال سوختن هستند. مردی که دم پای پوشیده سعی می کند آن ها را زیر لگد خاموش کند، عاقل ترها آن ها را با قطعات خاک و علف می پوشانند. اما ماده شیمیایی خاموش نمی شود و از درون سرپوش خاک دوباره آتش می گیرد. وقتی مردم با لگد قطعات را می کوبند که خاموش شود، آن ها به قطعات کوچک تری تقسیم می شوند که دوباره شروع به سوختن می کنند. صدای زنی هشدار می دهد: این بمب فسفوری است... (به نقل از سایت روشنگری)

دولت اسرائیل از زمان تشکیل خود، یعنی از سال ۱۹۴۸ که اکنون حدود شصت سال از آن تاریخ می گذرد همواره مردم فلسطین را نه تنها در خانه و کاشانه شان، بلکه حتی در اردوگاه آوارگان فلسطینی در لبنان نیز قتل عام کرده است. کماندوهای مرگ نیروهای امنیتی اسرائیل، تعداد بی شماری از فعالین و رهبران سازمان آزادی بخش فلسطین را در سرزمین های اشغالی و با نقاط دیگر جهان ترور کرده اند. در واقع تاریخ دولت اسرائیل، تاریخ تروریسم دولتی، جنگ و کشتار اش بر علیه مردم فلسطین است. هم اکنون نیز بیش از ۷۰ درصد سرزمین های فلسطینی ها، در اشغال نیروهای اسرائیلی است.

بر اساس گزارشات نهادها و رسانه های بین المللی حکومت اسرائیل در این جنگ خانمانسوز خود علیه مردم بی دفاع غزه، تمام معیارهای انسانی و اخلاقی و قوانین جهان شمول بین المللی را زیر پا گذاشت و وحشی گری خود را به جایی رساند که حتی مدارس، کودکان، بیمارستان ها، منابع آب و برق، اماکن عمومی و خانه های مردم را نیز با خاک یک سان کرد. ارتش اسرائیل در این جنگ خود بر علیه مردم غزه، از بمب های فسفوری و شیمیایی که طبق قوانین بین المللی به کار بردن آن ها ممنوع است، استفاده کرد. بیش ترین قربانیان این جنگ، نه نیروهای حماس، بلکه مردم بی دفاع غزه و به ویژه زنان و کودکان بوده اند. اما هنوز هم هیچ کدام از دولت های به اصطلاح انسان دوست غرب و نهادهای بین المللی به ویژه سازمان ملل متحد، به طور جدی حکومت اسرائیل را تحت فشار قرار نداده اند.

اما کنفرانس بین المللی بختگان جهانی برای تعقیب جنایت کاران جنگی، در پی شکایت ۲۰۰ سازمان جهانی از جنایات حکومت اسرائیل به دادگاه لاهه، در فرانسه کنفرانسی را برگزار کرد. تعدادی از نخبگان علمی از کشورهای نروژ، بلژیک، فرانسه و... در این نشست حضور داشتند.

«کلر تالون»، عضو اتحادیه بین المللی ویژه محاکمه سران حکومت اسرائیل، در گفتگویی با شبکه خبری الجزیره تاکید کرد: این اتحادیه از ۲۰۰ سازمان حقوق بشر بین المللی تشکیل شده است که حدود ۱۰۰ میلیون نفر اعضای این سازمان ها در دنیا در حال حاضر به جمع آوری ادله کافی برای محکومیت سران اسرائیل به اتهام ارتکاب جنایات جنگی در غزه مشغول هستند. وی افزود: این سازمان پس از جمع آوری ادله کافی آن ها را به دادگاه های اروپایی و بین المللی ارائه خواهد داد. تالون تصریح کرد: اتحادیه برای جمع آوری ادله و ضبط اظهارات شاهدان جنایات اسرائیلی ها کارشناسان خود را به غزه اعزام کرده است. وی خاطر نشان کرد: اتحادیه هم چنین به تشکیل چند کار گروه برای این کار اقدام کرده است که کار گروه نخست وظایف خود را در زمینه جمع آوری ادله مناسب انجام داده است. هیات قضایی و حقوقی نیز وظیفه تحویل جنایت کاران به دادگاه را برعهده دارد و ارتباطات و تبلیغات نیز از وظایف کارگروه سوم است.

در چنین شرایطی، برخی از جریانها و کسانی که در مورد جنگ اخیر اسرائیل علیه مردم غزه، موضع گیری کرده اند یا طرف اسرائیل را گرفته اند و یا حماس را. در صورتی که در این جنگ نباید طرف کیکی از این ها گرفت، بلکه با تمام وجود باید طرف مردم فلسطین را گرفت و جنایات حکومت اسرائیل را صریحا محکوم کرد. این جنگ نه یک جنگ دو ارتش حرفه ای، بلکه جنگ یک ارتش حرفه ای مجهز به مخرب ترین سلاح های کشتار جمعی با حمایت و پشتیبانی دولت های قدرتمند و در راس همه دولت آمریکا علیه مردم فلسطین است که از شش دهه قبل، یعنی قبل از آن که حماس وجود داشته باشد آغاز شده و هنوز هم ادامه دارد. دولت اسرائیل، از دهه هفتاد، با هدف تضعیف سازمان های چپ جبهه آزادی بخش فلسطین، به گروه های اسلامی فلسطینی یاری رساند تا وارد صحنه سیاسی این منطقه شوند. اما پس از قدرت گیری حکومت اسلامی در ایران، هنگامی که همه گروه های تروریستی اسلامی با کمک و حمایت همه جانبه مادی و معنوی حکومت اسلامی برخوردار شدند، آشکارا بر علیه اسرائیل برخاستند. اما عملکردهای تروریستی حماس و دیگر گروه حزب الهی منطقه، عملا جاده صاف کن و توجیه کننده حملات وحشیانه ارتش اسرائیل به فلسطین محسوب می شوند. هم چنان که القاعده در جنگ های به اصطلاح «جهادی» به همراه دیگر گروه های اسلامی در افغانستان علیه ارتش اشغالگر شوروی می جنگید همواره از سوی سازمان «سیا» تقویت کمی شدند. بر این اساس، در موضع گیری ها در رابطه با جنگ اسرائیل علیه مردم غزه، قبل از هر سیاستی باید انسان دوستی غالب باشد تا کشتار اسرائیل در غزه را صریحا و بدون هیچ ملاحظه ای محکوم نماید.

حکومت سرکوبگر و نژادپرست اسرائیل که بیش تر نظامیان و نژادپرستان در راس آن قرار دارند و هم چنین نیروهای ارتجاعی مذهبی هم چون حماس و جهاد اسلامی و حزب الله، مانع بزرگی بر سر راه صلح بین مردم فلسطین و اسرائیل هستند. زمانی مردم آزادی خواه و سکولار و چپ فلسطین می توانند از شر این گروه های ارتجاعی اسلامی و دخالت های حکومت اسلامی ایران و غیره نجات پیدا کنند که ارتش اسرائیل، از کلیه سرزمین های فلسطینی خارج شود و مردم فلسطین را در تعیین سرنوشت خویش آزاد بگذارد. چرا که در زیر غرش توپ و تانک و هواپیما و هلیکوپترهای جنگی اسرائیلی در فلسطین، نه صلحی برقرار می شود و نه مرتجعین و تروریست های حماس و غیره از تب و تاب می افتند. بنابراین، اولین راه برقراری صلح واقعی در این منطقه، خروج بی قید و شرط کلیه نیروهای اشغالگر اسرائیلی از سرزمین های فلسطینی است که مردم فلسطین در آرامش خاطر بتوانند حکومت دل خواه خود را به وجود بیاورند تا مردم اسرائیل و فلسطین در کنار همدیگر در صلح و آرامش زندگی کنند.

مسئله در چنین مسیری است که مردم رنج دیده و تحت ستم فلسطین، به حامیانی هم چون رجب اردوغان و خامنه ای و غیره نیازی نخواهند داشت. هم چنین قهرمانان واقعی جامعه فلسطین آن نوجوانان و جوانانی هستند که با پرتاب سنگ در مقابل پیشروی توپ و تانک و سربازان تا دندان مسلح اسرائیلی دست به مقاومت و مبارزه می زنند و با مایه گذاشتن از جان خود، حرمت انسانی خود و مردم شان را پاس می دارند.

قهرمان واقعی «راشل کوری»، دختر دانشجو و مبارز سیاسی آمریکایی و عضو جنبش همبستگی بین المللی بود که در سال ۲۰۰۲، به فلسطین رفت تا در برابر تخریب خانه های فلسطینیان به وسیله بولدورهای اسرائیلی با حرکتی صلح آمیز مقاومت کند. راشل در مقابل بلدورهای ایستاد تا مانع از آن شود که خانه هایی که هنوز ساکنان درونش بودند، برسر آن ها فرو ریزد. اما بلدورها به مثابه نمادی از وحشی گری نیروهای نظامی اسرائیلی، بی احساس و سرد، کالبد نحیف او را زیر

گرفت نا ثابت کنند بی رحمی قدرت، قدرتمندتر از انسان گرایی زیبای دختری است که می میرد نا ثابت کند زندگی قوی تر از مرگ است. راشل در بیست و سه سالگی در زیر بولدوزر نظامی اسرائیلی له شد اما خاطره جاویدانی از همبستگی انسانی بر جای گذاشت.

اگر واقعا فضایی فراهم گردد آن گرایشانی از مردم فلسطین و اسرائیل که به معنای واقعی در راه آزادی، برابری و علیه هرگونه جنگ و ستم و تبعیض و استثمار مبارزه کرده اند به قدرت برسند دنیای بهتر و انسانی تری در مقابل جامعه فلسطین و اسرائیل قرار خواهد گرفت که به سرعت به دشمنی و خصومت بین این دو جامعه پایان خواهد داد. بی شک آفریدن چنین فضایی، در گرو مبارزه پیگیر کارگران و همه نیروهای سوسیالیست و آزادی خواه فلسطینی و اسرائیلی است. در چنین روندی است که زمینه برای برکناری حکومت نژادپرست و جنگ طلب و هم چنین گروه های تروریستی حماس، جهاد اسلامی و حزب الله در فلسطین و محاکمه سران آن ها در دادگاه هایی علنی و عادلانه هم چون سران آلمان هیتلری به عنوان جنایت کاران جنگی و جنایت علیه بشریت فراهم خواهد شد.

پانزدهم بهمن ۱۳۸۷ - سوم فوریه ۲۰۰۹

#### منابع:

- ۱- گزارش خاورمیانه در سال ۲۰۱۵، چاپ دانشگاه دفاع ملی آمریکا؛
- ۲- اورهان پاموک و تابوهای دولت ترکیه، آزادی اندیشه و بیان، نویسنده: بهرام رحمانی، ناشر: کتاب ارزان، چاپ اول سال ۲۰۰۶، ص ۷؛
- ۳- همان منبع، ص ۱۰؛
- ۴- تاریخ شرمسار مردم کرد، نویسنده: بهرام رحمانی، چاپ اول سال ۲۰۰۱، ناشر: کتاب ارزان، ص ۴